

# تدوین واژه نامه اصطلاحات جغرافیایی " چند زبانه "

نویسنده: خلیل جمشیدی \_ سازمان نقشه برداری کشور

## چکیده :

کشور ایران همانند گستردگی در قلمرو، از لحاظ آب و هوا و محیط های جغرافیایی نیز متنوع و تقریباً کم نظیر است. این تنوع در زبان خصوصاً در گویش و لهجه نیز دیده می شود.

این تنوع زبانی و گویش در واقع از لحاظ ریشه ای، مشترک بوده و متعلق به گروه زبان ایرانی است که خود از خانواده بزرگتری بنام هند و اروپایی انشعب میابد. امروزه زبان فارسی به عنوان یکی از انواع زبانهای ایرانی، تحت عنوان زبان رسمی کشور پذیرفته شده و بدان تکلم می نمایم، ولی زبان، گویش و لهجه های فراوانی در سطح کشور رایج است که پاسخگوی نیازهای روزمره متکلمان آن می باشد. برخی مانند ترکی آذری علیرغم آمیختگی با زبان فارسی، از خانواده زبانی دیگری میباشد و مابقی زبانها و گویشها مانند کردی، بلوچی، گیلکی و.... از گروه زبانهای ایرانی بشمار می روند.

زبان و گویشهای رایج در کشور، برای نام نگاری انواع پدیده ها منجمله عوارض جغرافیایی، نام خاص خود را بکار می برند. اطلاعات جغرافیایی نقشه های که توسط عوامل گردآوری اطلاعات از مناطق گویشی مختلف کشور جمع آوری می شوند، در برخی موارد اندک تشابه و در مواردی نیز با نام فارسی آن کاملاً متفاوت است.

در هنگام گویا سازی نقشه ها به علت عدم آگاهی و تسلط عوامل گویا ساز بر گویش ها و لهجه ها، واژه های هم معنی عوارض جغرافیایی (در فارسی و گویش محلی) را در کنار هم تکرار می نمایند و یا در ترجمه و معادل سازی نوع عارضه به فارسی تشبیه و نا هماهنگی دیده می شود. از این رو به منظور اجتناب از کاربرد ناجبا و غلط نامهای محلی عوارض جغرافیایی در نقشه، اطلس و سایر منابع مکتوب تدوین فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی چند زبانه (با تاکید بر گویش و لهجه های ایرانی) با همکاری کمیته تخصصی یکسان سازی نام های جغرافیایی لازم و ضروری است.

## مقدمه :

دامنه گسترش علم و دانش در روزگار ما به اندازه ای وسعت یافته که در برخی موارد بدیهیات را ممکن است در تاق فراموشی بگذاریم. یکی از این بدیهیات تدوین واژه نامه یا فرهنگ لغات عمومی و تخصصی است.

همانطور که می دانیم زبان رسمی و رایج کشور، فارسی است و آنچه به عنوان زبان رسمی معیار و یا به عبارت دیگر زبان بکار رفته در رسانه های گروهی بکار می رود میل به فارسی تهرانی دارد. ولی زبان فارسی با لهجه های اصفهانی، یزدی، خراسانی، شیرازی، کرمانی و... نیز وجود دارد. همچنین گویشهای دیگری نیز تحت عنوان ترکی آذری، کردی، بلوچی، لری، گیلکی، مازنی و... در کشور رایج بوده و هر کدام از این گویشها و لهجه ها برای نوع عارضه جغرافیایی، نام خاص خویش را بکار می برند.

بدون شک از جمله تحقیقات و پژوهش هایی که برای یکسان سازی نامهای جغرافیایی لازم و ضروری است، تدوین فرهنگ تخصصی اصطلاحات جغرافیایی چند زبانه است، به نحوی که تمام واژه های جغرافیایی را

در گویشها و لهجه های مختلف کشور، گردآوری و با معادل آن در زبان رسمی و رایج کشور انطباق دهد.

تهیه و تدوین فرهنگ اصطلاحات محلی علاوه بر ثبت گویشهای متنوع در نام نگاری نوع عوارض که در امر توسعه دانش جغرافیا نقش بسزایی خواهد داشت، بستر مناسبی را برای زبان شناسان و فرهنگستان زبان فراهم خواهد نمود تا ریشه های زبانی و تغیراتی که در مسیر تاریخی برای نام عوارض بوجود آمده و دستخوش تغیر و تحول شده است را مطالعه نموده و شاید بتواند جایگزین مناسبی را برای لغات و واژه های نامانوس پیدا نماید.

### **مروری بر زبان ، گویش و لهجه های رایج در کشور :**

آسیا خاستگاه مهمترین خانواده های زبانی جهان است . امروزه اکثریت مطلق جهان به یکی از زبانهای خانواده های هندو اروپایی، سامی، استرالیایی- آسیایی، استرانی و آلتایی سخن می گویند .

خانواده زبانهای هند و اروپایی بزرگترین خانواده زبانهای جهان از نظر تعداد کسانی که بدان سخن می گویند (1/6 میلیارد نفر) می باشد. محدوده جغرافیایی این خانواده زبانی از آسیای جنوبی و ایران گرفته تا کل قاره های اروپا و آمریکا را در بر می گیرد . 600 سال پیش مردمی که زبان هند و اروپایی اصیل سخن می گفتند در منطقه قفقاز جنوبی (ارمنستان- گرجستان و آذربایجان کنونی) و یا به روایت دیگر در شمال دریای سیاه می زیستند . این قوم به دلیل کمبود منابع زیستی و شاید به خاطر حمله قومهای همسایه ، از زیستگاه اصلی خود مهاجرت کردند ، این مردم خود را آریایی (به معنی شریف ، خوشنام و شکوهمند) می خواندند.

هر گروه از مهاجران آریایی به سویی رفتند و تحت تاثیر زبان و فرهنگ میزبان خود، خانواده ای از زبانهای هند و اروپایی را ایجاد نمودند . (مانند زیر خانواده زبانهای هند و ایرانی ، زیرخانواده زبانهای ژرمانی ، زیر خانواده زبانهای ایتالیک زیرخانواده زبان ارمنی ، زیرخانواده زبانهای اسلاوی و ... )

گروه زبانهای هند و ایرانی مهمترین گروه از خانواده زبانهای هند و اروپایی است که کتیبه های بسیاری از آن بجا مانده است و مرجعی قابل اعتماد برای زبانشناسان بشمار می رود.

از مهمترین زبانهای این گروه می توان، زبان سانسکریت (هند باستان) ، زبان اوستایی (ایران باستان) و زبان پارسی باستان را نام برد، به عبارت دیگر می توان این گروه زبانی را به دو زیر گروه ایرانی و هندی تقسیم نمود .

#### **الف ) زبانهای ایرانی :**

زبانهای مهم این زیرگروه عبارتند از اوستایی، پارسی باستان ، سکایی (امروزه وجود ندارد) ، استی ( Ossetic در قفقاز) ، پهلوی، فارسی، پستو (در افغانستان ) ، دری ( در افغانستان ) ، فارسی تاجیکی، کردی و بلوچی.

#### **ب ) زبانهای هندی :**

زبانهای مهم این زیرگروه عبارتند از : سانسکریت، هندی، اردو ، بنگالی، گجراتی، سیلانی و نپالی (1)

از زبانهای ایرانی رایج در کشور علاوه بر فارسی می توان به کردی و بلوچی و همچنین گویشهای لری، گیلکی، مازنی و سمنانی و لهجه های فارسی اصفهانی، کاشانی، یزدی، خراسانی، شیرازی، بندری و غیره اشاره نمود که به نوعی بقایا ورگه های باز زبانهای پهلوی و پارسی باستان را در آنها یافت.

علاوه بر زبانهای ایرانی فوق الذکر رایج در کشور، می توان به زبان ترکی آذری که به خانواده زبانی آلتایی تعلق دارد اشاره نمود. گروه خانواده زبانی آلتایی به سه زیر خانواده، ترکی، مغولی و تونگوزی تقسیم می شود که زبان ترکی آذری رایج در کشور ایران متعلق به زیرگروه خانواده ترکی و از گروه Oghuz یا ترکی جنوب قرار می گیرد. همچنین ترکمن ها نیز در این گروه قرار دارند که در بخشی از قلمرو ایران بدین زبان تکلم می نمایند.

زبان عربی از خانواده زبانی سامی نیز در جنوب غرب ایران (همجوار با کشور عراق) رایج بوده و عده ای از مردم سرزمینمان بدان تکلم می نمایند.

### وضعیت عوارض جغرافیایی در نقشه های مبنایی:

در هنگام استفاده از نقشه مبنایی کشور به واژه هایی از اطلاعات جغرافیایی برخورد می کنیم که از لحاظ معنایی شبیه یکدیگر بوده ولی در کنار هم قرار گرفته و تکرار شده اند و یا در برخی موارد به علت عدم آگاهی عوامل گردآوری اطلاعات، نوع عارضه به عنوان نام خاص در نظر گرفته شده است.

مثال: کوه آق داغ، رود آجی چای، مسیل کال شور، رود کال سفید، دره تنگل خوش، دره بازه حسن، دره سنگ دره، دره داش دره سی، چشمه کانی ملک و.....

که به ترتیب داغ، چای و دره سی در زبان آذری به معنای کوه، رود و دره است. همچنین کال تنگل، بازه در لهجه فارسی خراسانی به معنای رود و دره و همینطور کانی در گویش کردی به معنی چشمه می باشد.

در برخی موارد اشتباهات فاحشی نظیر، رود فصلی چم، رودخانه چای، رود فصلی کال، و..... دیده می شود که ناشی از عدم آشنایی عامل با گویش و لهجه های محلی است. در صورتیکه چم در گویش کردی، چای در زبان آذری و کال در لهجه خراسانی به معنی رود می باشد و نمی تواند نام خاص یک عارضه محسوب شود.

اینگونه موارد به علت تنوع گویش و لهجه در سطح کشور، امکان ایجاد خطا را به وسیله عوامل گردآوری اطلاعات نا آشنا به شیوه گویاسازی و عدم احاطه کامل بر گویش و لهجه های رایج در کشور، افزایش خواهد داد.

اگر به راهنمای نقشه 1:25000 سراسری کشور دقت کنیم، بیش از 100 عارضه جغرافیایی وجود دارد که عامل گویاساز با عملیات میدانی باید آنها را جمع آوری و بعد از تولید نقشه به آن منتقل نماید. این عوارض طبق دستورالعمل گویاسازی استاندارد سازمان نقشه برداری کشور تعریف و روش نام نگاری آنها نیز مشخص شده است. در اینجا مسائل و مشکلات عارضه جغرافیایی رود را بعنوان مثال ذکر می کنیم.

در نام نگاری رود ابتدا نوع عارضه + نام خاص عارضه با رنگ مشکی و باتعین وضعیت تداوم آن (دائمی یا فصلی) گویا می شود. واژه رود به عنوان نوع عارضه در زبان فارسی رایج و رسمی کشور برای اکثر افراد شناخته شده است ولی همین رود در گویشها و لهجه های کشور دارای نام دیگری است مانند چای در زبان آذری، چم در گویش کردی، رووار یا

روبار در گویش گیلکی، کال در لهجه فارسی خراسانی و ..... که دستورالعمل گویا سازی در ارتباط با نحوه بکارگیری اصطلاح غیر فارسی رایج در کشور سکوت کرده است و عوامل گردآوری اطلاعات بنا به سلیقه و استنباط خود آن را به روشهای زیر گویا می کنند.

- برخی فقط اصطلاح فارسی آن را بکار می برند. مانند : رودخانه داشتی ( شیت 5459 III NW )
- برخی فقط اصطلاح محلی آن را بکار می برند . مانند : چم داشتی (رود) کلمه رود را در داخل پرانتز قید می کنند.
- برخی هردو اصطلاح را بکار می برند مانند: رودخانه چم داشتی (فصلی)
- برخی نیز نوع عارضه با گویش محلی را به عنوان نام خاص بکار می گیرند. مانند: روخانه فصلی چم

این وضعیت برای دیگر عوارض جغرافیایی کم و بیش مشاهده می شود. به منظور اجتناب از خطاهای فاحش در بکارگیری از واژه های جغرافیایی مورد استفاده در لهجه و گویشهای متنوع کشور ، جمع آوری واژه های محلی و تدوین واژه نامه چند زبانه اصطلاحات جغرافیایی برای گردآوران اطلاعات به منظور تهیه نقشه و پایگاه نامهای جغرافیایی لازم و ضروری است ، تا تعریف و درک یکسانی از مترادفها و معادلهای عوارض جغرافیایی داشته باشیم .

### فرهنگ تخصصی چند زبانه :

فرهنگ لغات یا واژه نامه مجموعه سامانندی از عنصرهای کلامی یک قوم، ملت یا جامعه است که در دوره های زمانی معین ، برای سخن گفتن، نوشتن ویا هر دو بکار می برند. این فرهنگها در میان افراد ارتباط ایجاد می کند وانتقال تجربه ها، آگاهیها را ممکن می سازد.

فرهنگ های عمومی معمولا واژگان غیر تخصصی و یا تخصصی عمومی شده را در خود جای می دهد و به فرهنگهای جامع و امروزی تقسیم می شوند. فرهنگهای معروف مانند دهخدا ، معین، عمید و... از جمله فرهنگهای عمومی زبان فارسی می باشند که عمدتاً بعنوان مرجع مورد توجه پژوهشگران قرار می گیرد. بی شک زبان فارسی نیازمند دهها فرهنگ برای رشته های علمی، فنی، هنری ، ادبی، گویشها ومانند آنهاست. بنابراین فرهنگهای عمومی را نمی توان جانشین فرهنگ تخصصی نمود و بی نیاز از آنها شد. واژه های علمی، فنی، محلی و عامیانه تا وقتی وارد زبان فارسی معیار نشده و کاربرد عام پیدا نکرده باشند در محدوده فرهنگ تخصصی قرار می گیرد. (ص6 فرهنگ فارسی امروز)

برخی از فرهنگهای جامع عمومی نظیر فرهنگ دهخدا ، علاوه بر لغات مکانهای جغرافیایی را نیز در بر می گیرد. ولی با توجه به ماهیت عمومی آن فقط نام هایی که عامه مردم لازم دارند را آورده است و برای نامهای تخصصی باید به فرهنگ تخصصی جغرافیایی مراجعه نمود. هرچند امروزه به کمک نرم افزارهای رایانه ای میتوان انواع پایگاهها با تواناییهای متفاوت برای مکانهای جغرافیایی ایجاد نمود وتمام روستاها، آبادیهاومکانها را در حداقل زمان جستجو نمود. (مانند پایگاه GNDB)<sup>1</sup>. بنابراین آوردن نام مکان جغرافیایی در فرهنگهای عمومی لازم و ضروری نیست، همچنانکه استاد سعید نفیسی در این ارتباط جمله کاغذ حرام کردن واتلاف وقت را بکار برده است.

تا کنون فرهنگ تخصصی جغرافیایی متعددی توسط محققان وپژوهشگران تالیف شده است که عمدتاً معانی و مترادف زبانهای انگلیسی وفرانسه را معرفی

نموده و یا تعاریف عوارض جغرافیایی رایج در زبان فارسی را تشریح کرده اند. مانند فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی (عباس جعفری)، فرهنگ جغرافیای طبیعی (دکتر شایان)، فرهنگ جغرافیایی (اسماعیل عاشوری)، فرهنگ جغرافیایی (دکتر فشارکی) و....

بزرگانی که دست به تدوین فرهنگ جغرافیا زده اند شاید آنزمان با گویا سازی و چگونگی نام نگاری عوارض در نقشه های مبنائی و مشکلات ناشی از آن آشنا نبودند، بنابراین لزومی برای ارائه معادل گویش ولجه های کشور ندیده اند.

در نتیجه تالیف فرهنگ تخصصی اصطلاحات جغرافیایی با تاکید بر زبان، گویش ولجه ها با استفاده از سیستم آوانگاری کمیته یکسان سازی نامهای جغرافیایی گامی جدید در زمینه ترویج الفبای آوانگار و فرهنگ تخصصی بشمار می آید.

## 1-Geographic Name Data Base

## نتیجه گیری و پیشنهاد :

واژه هایی در نقشه های مبنایی و برخی از منابع مکتوب کشور وجود دارند که درک و فهم مشترکی از معنی آن وجود ندارد و فقط برای آشنایان به گویش یا لهجه خاص قابل درک است، این عدم آشنایی با تعاریف و معانی واژه های جغرافیایی در گویش و لهجه های غیر فارسی رایج ، موجب تشتت در بکارگیری از آنها و در برخی موارد استفاده ناجب و غلط از آن می شود.

نقشه نیز به عنوان یکی از منابع درج و تکرار این اشتباه در کشور محسوب شده که متأسفانه می تواند به عنوان مرجع غلط مورد استفاده و استناد کاربران زیادی قرار گیرد. از این رو تهیه و تدوین فرهنگ تخصصی چند زبانه به منظور معادل سازی یکسان از عوارض جغرافیایی لازم و ضروری است.

در راستای تدوین فرهنگ تخصصی جغرافیایی با تاکید بر گویش ها و لهجه های کشور اگر بخواهیم در حوزه ادبی وارد شویم باید واژه های جغرافیایی را از لحاظ معانی حقیقی ، مجازی ، مفردات ، ترکیبات ، استعارات و ریشه های زبانی مورد مطالعه قرار دهیم که در تخصص زبان شناسان قرار می گیرد و عملیات میدانی و کتابخانه ای جمع آوری و انطباق با معانی تخصصی عوارض جغرافیایی در حوزه تخصص دانش آموختگان جغرافیا می باشد.

برای انجام این مهم پیشنهاد می شود از امکانات انجمنهای علمی گروههای آموزشی جغرافیا و زبانشناسی در دانشگاههای کشور و همچنین با حمایت مادی و معنوی کمیته تخصصی یکسان سازی نامهای جغرافیایی و یا کمیته متناظر استاندارد ISO/TC211 (گروه حفاظت از واژه شناسی<sup>1</sup> TMG) که مسئولیت جهانی این امور را به عهده دارند استفاده نمود و با ایجاد یک گروه کاری و یا تعریف یک پروژه پژوهشی به این مهم دست یافت.

خلیل جمشیدی

تهران - اسفند 1386